*فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*
*سال نوزدهم، شماره ۶۰، زمستان ۱۳۹۰، صفحات ۵۸ - ۳۵*

# کارایی تأمین اجتماعی و اقتصاد سیاسی

**عزت‌اله عباسیان**
دانشیار اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا همدان
abbasian@basu.ac.ir

**وحید محمودی**
دانشیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
vmahmodi@ut.ac.ir

**عبدالحمید عادلی**
کارشناس‌ارشد علوم اقتصادی
adeli@tpo.ir

سه برار شدن جمعیت سالمندان در چهار دهه اخیر توجه بیش از پیش به برنامه‌های بازنشستگی و تأمین‌اجتماعی را می‌طلبد. این مطالعه ضمن تبیین این موضوع مؤلفه‌های اثرگذار بر شکل‌گیری و رشد برنامه‌های تأمین‌اجتماعی در کشورهای مختلف دنیا را در قالب تئوری‌های سیاسی و تئوری‌های اقتصادی–جمعیتی مشخص می‌نماید و با محور قرار دادن این تئوری‌ها به رابطه ساختار سیاسی و تأمین اجتماعی می‌پردازد. همچنین، مطالعه حاضر با معرفی شاخص دیکسون به‌عنوان شاخصی برای تعیین کارایی تأمین اجتماعی به کمک تحلیل‌های رگرسیونی عوامل سیاسی و اقتصادی مؤثر بر کارایی تأمین اجتماعی را برآورد می‌کند. نتایج نشان می‌دهد درکشورهایی که از درجه آزادی سیاسی بیشتری برخوردارند، سیستم‌های تأمین اجتماعی کارایی بالاتری دارند درحالی‌که برای کشورهای فقیر و ثروتمند که درجه آزادی سیاسی‌شان پایین است مؤلفه‌های اقتصادی ازجمله سهم جمعیت بالای ۶۵ سال و توزیع ناعادلانه درآمد برکارایی تأمین اجتماعی مؤثر است و عوامل سیاسی نقش چندانی درکارایی ندارد.

**طبقه‌بندی JEL:** *D70, F52, H11, H55.*
**واژه‌های کلیدی:** *تأمین اجتماعی، اقتصاد سیاسی، شاخص دیکسون، تئوری‌های سیاسی، تئوری‌های کارایی.*

* **تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۳** **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۳**

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

### ۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر لزوم توجه به سالمندان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و رشد قابل ملاحظه‌ای در مخارج تأمین اجتماعی و مستمری بازنشستگی رخ داده که این اتفاق در کشورهای صنعتی با افزایش تعداد سالمندان در ترکیب جمعیتی‌شان مشهودتر است. به‌عنوان مثال، براساس گزارش‌های سازمان بین‌المللی کار (ILO) در دهه ۹۰ میلادی نسبت مخارج مستمری بازنشستگی به تولید ناخالص داخلی برای کشورهای اتریش، فرانسه و ایتالیا بیش از ۱۰درصد بوده است. با درنظرگرفتن کاهش میزان باروری کلی از یک سو و کاهش میزان مرگ وافزایش امید به زندگی از سوی دیگر ساختار سنی جمعیت از گروه‌های سنی جوانتر به پیرتر تغییر می‌یابد. میرفلاح نصیری (۱۳۸۶) تغییرات در ساختار هرمی جمعیت در دنیا و ایران را چنین گزارش کرده است: بر پایه اعلام سازمان ملل تعداد افراد ۶۰ ساله و بیشتر جهان در سال ۱۹۵۰ بالغ بر ۲۰۵ میلیون نفر بوده‌که این تعداد در سال ۲۰۰۲ به حدود ۶۲۹ میلیون نفر (سه برابر) افزایش یافته است که حدود ۱۰ درصد جمعیت کل جهان را تشکیل می‌دهد. پیش‌بینی انجام شده نشان می‌دهدکه تعداد جمعیت سالخوردگان جهان در سال ۲۰۵۰ به حدود ۲ میلیارد نفر افزایش یابد که برای اولین‌بار از تعداد افراد زیر ۱۵ سال بیشتر خواهد بود. درحال حاضر، به ازاء هر یک نفر جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر ۱۰ نفر در جهان زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود این رقم طی ۵۰ سال آینده به نصف کاهش یابد.

جمعیت سالمندان در ایران از حدود ۱/۶ میلیون‌نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود ۵/۱ میلیون‌نفر در سال ۱۳۸۵ بالغ شد. به عبارت دیگر، طی ۴ دهه اخیر این بخش جمعیت ۳/۲ برابر شده است و متوسط رشد سالانه جمعیت سالمندان حدود ۱/۷ برابر متوسط رشد سالانه جمعیت کشور است. بنابراین باتوجه به سه برابر شدن جمعیت سالمندان در چهار دهه گذشته لزوم توجه به برنامه‌های تأمین اجتماعی و بازنشتگی از دغدغه‌های پیش‌روی بسیاری از دولتمردان و سیاستگذاران در سراسر دنیاست.

این مقاله در تلاش است ضمن تأکید بر ضرورت موجودیت برنامه‌های تأمین‌اجتماعی جنبه‌های مختلفی راکه می‌توان در طراحی و بازنگری در سیستم‌های تأمین‌اجتماعی و مستمری بازنشستگی لحاظ نمود را تبیین نماید. علاوه بر این، بررسی‌ها و مطالعات پیشین در معرفی برنامه‌های تأمین اجتماعی و عوامل تأثیرگذار بر آن هزینه‌ها و مخارج صورت‌گرفته بر برنامه‌های تأمین اجتماعی را به‌عنوان متغیر وابسته درنظرگرفته‌اند، درحالی‌که در مطالعه حاضر و در رویکردی جدیدکارایی برنامه‌های تأمین اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و این تغییر رویکرد با معرفی شاخص دیکسون‌که معرف کارایی سیستم تأمین اجتماعی درکشورهای مختلف است صورت‌پذیرفته است.

بنابراین در بخش دوم مقاله با مروری بر ادبیات موضوع عوامل مؤثر بر برنامه‌های تأمین‌اجتماعی و ضرورت پرداختن به این موضوع از منظر سیاسی و اقتصادی می‌پردازیم. با تبیین فضای اقتصاد سیاسی برنامه‌های تأمین‌اجتماعی و مروری بر مطالعات انجام‌گرفته در این خصوص در بخش سوم مقاله برکارایی تأمین اجتماعی تمرکز بیشتری نموده و به معرفی متغیرها و نحوه تقسیم‌بندی کشورها پرداخته می‌شود. چگونگی جمع‌آوری داده‌ها

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

و تصریح و تخمین مدل موضوعی است که در بخش چهارم بررسی شده است. درنهایت در بخش پنجم به جمع‌بندی مطالب مطرح‌شده و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

## ۲. مروری بر ادبیات موضوع

دوران کهنسالی روزگاری است که همه زمانی تجربه خواهند کرد، ایامی که توانایی و قدرت انسان رو به تحلیل می‌گذارد. بنابراین، خود شخص و یا نزدیکان وی در جوانی در صدد برمی‌آیند الزامات کافی جهت رفاه خود برای ایام پیری را فراهم سازد. ازسوی دیگر، توجه به نیازمندان و دستگیری از سالمندان، کاهش شکاف درآمدی جامعه، چگونگی تامین مالی صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی از مواردی است که نیاز به دخالت دولت‌ها در طراحی وبازنگری برنامه‌های تأمین اجتماعی را روشن می‌سازد. نوع نگاه و نحوه تصمیم‌گیری افراد و دولت‌ها نسبت به ایجاد و اصلاح برنامه‌های تأمین‌اجتماعی و تقابل و تعامل طرفین (فرد-دولت) سناریوهای مختلفی را در شکل‌گیری تئوری‌ها و مدل‌های تأمین اجتماعی ایجادکرده است.

برنامه‌های تأمین‌اجتماعی و مستمری بازنشستگی شکل‌گرفته تا رفاه برای سالمندان فراهم شود، این موضوع صرفاً از دید کرامت انسانی قابل بررسی است یا تعداد سالمندان در هرم جمعیتی نیز در شکل‌گیری برنامه‌ها اهمیت دارد؟ نحوه برخورد دولت‌ها با این موضوع چگونه است؟ آیا دولت‌ها در ایجاد برنامه‌ها بدنبال دستگیری از نیازمندان و سالمندان هستند و تلاش می‌کنند به توزیع عادلانه درآمدکمک کنند یا قبل از آن برای کسب مشروعیت است که به تأمین اجتماعی اهمیت می‌دهند؟ برنامه‌های تأمین اجتماعی برای جبران مکانیزم شکست بازار بوجود آمده و آیا اصلاح و بازنگری در برنامه‌های تأمین اجتماعی می‌تواند پایدار و همیشگی باشد یا تحولات سیاسی بر اجرای این برنامه‌ها اثرگذار است؟ پاسخ به این پرسش‌ها و موارد مشابه زمانی میسر است که تمام ابعاد تأثیرگذار بر تأمین اجتماعی شناسایی و مورد ارزیابی قرار گیرد. به‌عنوان مثال، مؤلفه‌های اقتصادی ازجمله ضریب جینی، نسبت میانگین به میانه درآمدی و نرخ مالیاتی در تبیین رویکرد تأمین اجتماعی برای بازتوزیع مجدد درآمد کمک شایانی می‌کنند و یا در پاسخگویی به چرایی دخالت دولت در ایجاد و اصلاح برنامه‌ها، توجه به نظر اکثریت در انتخابات و یا شکل‌گیری گروه‌های همسود یا گروه‌های فشار در فرایندهای سیاسی می‌تواند راهگشا باشد. در این مقاله سعی شده است ابعاد مذکور به‌ویژه از دو منظر سیاسی و اقتصادی مورد بررسی قرارگیرد.

از بعد سیاسی، تأمین اجتماعی نتیجه یک فرایند انتخاباتی یا کشمکش سیاسی بین دو گروه یا بیشتر از دو گروه شهروندان در جذب منابع از یکدیگر است. به این ترتیب دو روش عمده برای مدلسازی تأمین اجتماعی از منظر سیاسی وجود دارد:

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

**الف) مدل‌های رأی‌گیری اکثریت**

در این مدل، گروه‌ها به نرخ‌های مالیاتی تأمین اجتماعی رأی می‌دهند و خروجی سیاسی مطابق نرخ مالیاتی است که رأی اکثریت را آورده است. مدل یکبار برای همیشه برونینگ (۱۹۷۵) و مدل سالمندان به‌عنوان رهبران ائتلاف برنده تابلینی (۱۹۹۲) که به اختصار به آنها اشاره می‌شود از نمونه این مدل‌هاست:

- **سالمندان به‌عنوان رهبران ائتلاف برنده:** سالمندان اکثریت رأی‌دهندگان را تشکیل نمی‌دهند، بنابراین آنچه آنها می‌توانند جهت تصویب برنامه‌های تأمین‌اجتماعی انجام دهند این است که مزایایشان را به سایر گروه‌های رأی‌دهنده پیوند دهندکه یک ائتلاف اکثریت تشکیل شود. تابلینی(۱۹۹۲) با استفاده از چنین رویکردی مطرح می‌کند که سالمندان در یک مبارزه سیاسی، ائتلافی با فقرا تشکیل می‌دهند به‌منظور حمایت از سیاستی که در آن بازندگان نزاع سیاسی یعنی ثروتمندان و جوانان پرداخت‌کننده مالیات می‌شوند. براساس این رویکرد می‌توان تشریح کردکه چرا برنامه‌های تأمین‌اجتماعی به‌وسیله دولت اجرا می‌شود و چرا تأمین‌اجتماعی جایگزین سایر مخارج دولتی می‌شود.

- **انتخاب یکبار برای همیشه:** روش دومی‌که سالمندان می‌توانند پیروز یک رأی‌گیری باشند آنست‌که آنها ائتلافی با میانسالان تشکیل دهند. به‌عنوان مثال، برنامه‌های تأمین‌اجتماعی ممکن است در کوتاه‌مدت هر چند به ضرر میانسالان باشد اجرا شود، اما مزایای این برنامه‌ها در بلندمدت به‌همان میانسالان نیز می‌رسد زیرا آنها نیز روزگاری دوران پیری را تجربه خواهند کرد. طرح پیشنهادی به اینصورت می‌باشد: در آغاز هر دوره و با وجود افراد حاضر جوانان و میانسالان به مقدار T مالیات پرداخت خواهندکرد و سالمندان سوبسیدی به اندازه ۲T دریافت خواهند کرد. توجه کنیدکه با این سیاست میانسالان امروز مقدار T پرداخت می‌کنند و مقدار ۲T به‌دست می‌آورند به‌طوری‌که سود خالص آنها برابر مقدار T است. از این رو، میانسالان به چنین سیاستی علاقه‌مند هستند. سالمندان هم چیزی پرداخت نمی‌کنند و مقدار ۲T دریافت می‌کنند و آنها نیز به این سیاست علاقه‌مند هستند. جوانان در مقادیر فعلی سربه سر هستند، زیرا آنها در دو دوره مقدار T پرداخت می‌کنند و در یک دوره مقدار ۲T مزایا دریافت می‌کنند، به‌طوری‌که آنها با چنین سیاستی مخالف نیستند. با توجه به آنچه گفته شد این سیاست برنده انتخابات است و برووینگ استدلال می‌کند که هیچ دلیلی وجود ندارد که نگران باشیم این سیاست در انتخابات بعدی بازنده شود و از این رو منطقی است که فرض کنیم سیاست همیشگی و بادوام است.

لازم بذکر است در تشریح مدل‌های رأی‌گیری می‌توان از مدل‌هایی‌که قدرت وتو یا قانون اساسی را به‌عنوان ابزاری در شکل‌گیری برنامه‌های تأمین اجتماعی مؤثر می‌دانند نیز نام برد. براساس این مدل‌ها، شرط لازم برای ایجاد تغییرات اساسی و ماهوی در سیاست اقتصادی رأی اکثریت است، اما شرط لازم این است که تغییرات مغایر قانون اساسی یا منافع گروه‌های ذی‌نفوذ و پرقدرت نباشد. هنسن و استوارت (۱۹۸۹) قرارداد ضمنی را بین نسل‌های مختلف بررسی

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

می‌کنند که براساس این قرارداد گروه اقلیت که سالمندان با نفوذ هستند مانع از آن می‌شوند که تغییراتی درجهت به‌خطر افتادن منافع آنان حاصل شود.

**ب) مدل‌های گروه فشار**

برخلاف مدل‌های رأی‌گیری مدل‌های گروه فشار بر چگونگی تشکیل گروه‌های همسود تمرکز می‌کنند. سالمندان با تشکیل گروه‌های فشار و لابی با سایر گروه‌ها به دنبال نفع حداکثری در فرایندهای سیاسی هستند. از آنجاکه درکشورهای غیر دموکراتیک فرایند رأی‌گیری و انتخابات عادلانه و منصفانه نیست موجودیت برنامه‌های تأمین اجتماعی در این کشورها ازطریق این مدل‌ها تبیین می‌شود. نظر گالاسو و پروفتا (۲۰۰۲) مدل‌های گروههای فشار دو رویکرد دارند: مدل‌های توابع نفوذی و مدل‌های توابع حمایتی.

مدل‌های توابع نفوذی: در این مدل‌ها رقابت بین گروه‌های خاص یعنی پرداخت‌کنندگان مالیات و دریافت کنندگان یارانه‌ها شکل می‌گیرد. برنده رقابت‌گروهی است‌که بتواند بر رقیب خود نفوذ بیشتری اعمال کند. به‌عنوان مثال، سالمندان با صرف وقت بیشتر و تشریح دلایل اقتصادی برنامه‌های تأمین اجتماعی برای جوانان آنان را متقاعد می‌کنند‌که برنامه‌های تأمین‌اجتماعی را انتخاب کنند. مولی‌گان و مارتین (۱۹۹۹) یک نمونه از این مدلها را تشریح می‌کنند. این مدل‌که به مدل فزونی زمان معروف است به تبیین نقش زمان در شکل‌گیری فشارهای سیاسی می‌پردازد. در این مدل استدلال می‌شود‌که گروه‌هایی که اعضای آنها کمترکار می‌کنند موفق‌تر هستند، توجیه مهم برای این فرض این است که اگر افراد کار نکنند نگرانی‌های سیاسی‌شان کمتر است و می‌توانند تلاششان را برای دریافت مستمری بازنشستگی یا انتقال منابع از سایر گروه‌ها متمرکز کند. به‌عبارت دیگر، افراد بازنشسته با انگیزه‌تر از شاغلین هستند زیرا آنها به لحاظ زمانی که دراختیار دارند دقت بسیاری بر سیاست‌ها دارند و ضمن اینکه جوانان باید نگران سیاست‌های اشتغال نیز باشند.

به‌طور خلاصه خروجی سیاسی در این مدل‌ها به فشار گروه، اندازه گروه و دیگر ویژگی‌های گروه که بواسطه آن می‌شود برگروه‌های دیگر اعمال نفوذ کرد وابسته است. در اینگونه مدل‌ها دلایل اقتصادی اهرم فشار بر گروه‌های دیگر است. همانطورکه در مدل بالا نیز اشاره شد ایشان بر مؤلفه‌های اقتصادی- جمعیتی تمرکز کرده اندکه سالمندان از سرمایه انسانی کمتر و از بهره‌وری کمتری برخوردارند و دستمزد پایین‌تری دریافت می‌کنند. بنابراین، برای سالمندان وضع نرخ مالیات بالا بر اعضای گروه و تشویق آنان به بازنشستگی هزینه کمتری دارد. ضمن اینکه در ایام بازنشتگی ایشان وقت بیشتری دارند تا با جوانان لابی کنند و از آنها امتیاز بگیرند. ثانیاً از آنجاکه جوانان نیز زمانی ایام پیری را تجربه خواهندکرد در مقابل این فشارها مقاومت کمتری می کنند. دو دلیل عنوان شده سیاستگذاران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در رقابت مذکور سالمندان پیروز می‌شوند.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

مدل‌های توابع حمایتی: در اینگونه مدل‌ها تأمین اجتماعی خروجی یک فرایند سیاسی است که در آن دولت تابع حمایتی که شامل دو نسل پیر و جوان است حداکثر می‌کند. ورهوون و وربن (۱۹۹۱) به تشریح یک نمونه از این مدل‌ها می‌پردازند.

همانطورکه در بخش‌های قبل نیز توضیح داده شده عوامل اقتصادی از عوامل تأثیرگذار بر برنامه‌های تأمین اجتماعی است. گالوسو و پروفتا (۲۰۰۲) پنج عامل اقتصادی را که منجربه علاقه‌مندی سالمندان و جوانان به برنامه‌های تأمین اجتماعی می‌شود را طبقه‌بندی کرده‌اند.

ناکارایی پویا: ساموئلسن (۱۹۵۸) و ایرون (۱۹۶۶) معتقدند تأمین اجتماعی در شرایطی که نرخ ضمنی بازدهی تأمین اجتماعی بیشتر از نرخ بازدهی انباشت سرمایه باشد یعنی شرایطی‌که اقتصاد در شرایط ناکارا قرار داشته باشد منجربه علاقه‌مندی افراد جوان به تأمین اجتماعی می‌گردد.

افق کاهشی زمان: ازنظر بروونینگ (۱۹۷۵) افراد میانسال از برنامه‌های تأمین اجتماعی استقبال می‌کنند، زیرا ایشان صرفاً ارزش فعلی و آتی سهم پرداختی به تأمین اجتماعی را درنظر می‌گیرند و سهم‌های پرداختی گذشته را به‌عنوان هزینه‌های برگشت ناپذیر قلمداد می‌کنند. به‌عبارت دیگر، این افراد کل هزینه‌ها را به‌حساب نمی‌آورند و از خود می‌پرسند چند سال دیگر باید سهم بیمه بدهند تا بازنشسته شوند و به افق پیش‌روی خور نگاه می‌کنند نه به گذشته.

جانشینی جبری: کولی و سووارز (۱۹۹۹) و بولدرین و راسیتی بر این باورندکه برنامه‌های توزیع مجدد بین نسلی از قبیل بدهی دولتی و یا تأمین اجتماعی به جانشینی جبری سرمایه و کاهش دستمزد واقعی و افزایش بازدهی واقعی سرمایه منجر می‌شود. این موضوع توزیع مجددی را به‌نفع دارندگان سرمایه و دارایی و به ضرر افرادی‌که متکی به درآمد نیروی‌کار هستند سبب می شود.

توزیع مجدد بین گروهی: تابلینی(۲۰۰۰) کازماتا و سایرین (۱۹۹۹) معتقدندکه افراد جوان به‌دلیل مؤلفه‌های موجود در توزیع مجدد بین گروه‌ها به برنامه‌های تأمین اجتماعی نظر مثبت دارند و خانواده‌های‌کم درآمد از برنامه‌های تأمین اجتماعی بیشتر از انباشت سرمایه منتفع می‌گردند.

ازخودگذشتگی: هنسن و استوارت به تشریح سیستم تأمین اجتماعی می‌پردازندکه در آن جوانان نسبت به سالمندان حس فداکارانه‌ای دارند و در انتخاب نوع پس‌انداز جاریشان رفتار فداکارانه جوانان در آینده را درنظر می‌گیرند. علاوه بر موارد یاد شده مولی‌گان و سالا- ای- مارتین (۲۰۰۴) نیز به معرفی برخی از تئوری‌های کارایی تأمین‌اجتماعی می‌پردازند. این تئوری‌ها ناکارایی‌های بازار را مشخص می‌کند و تأمین‌اجتماعی را راهی برای کاستن این نارسایی‌ها می‌دانند. برخی از این تئوری‌ها عبارتند از:

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

تأمین‌اجتماعی به‌عنوان بیمه بازنشستگی: هدف تأمین‌اجتماعی جبران درآمدی است که خانوارها در ایام بازنشستگی، مرگ یا معلولیت کارگری از دست می‌دهند و برنامه‌های تأمین‌اجتماعی حمایت‌های لازم را درمقابل چنین خطراتی برعهده دارد. یکی از راه‌ها جهت جبران ناتوانی در ایام پیری پس‌انداز خصوصی در ایام جوانی است و راه دیگر خرید انواع بیمه است. هر فردی راجع به سلامتی و توانایی خود در کسب درآمد در ایام پیری اطلاعات خصوصی دارد و آنهایی که بیشتر احتمال می‌دهند در ایام پیری ناتوان شوند به برنامه‌های بیمه توجه ویژه‌ای نشان می‌دهند.

تئوری‌های همگرایی بازار نیروی‌کار: براساس این تئوری برنامه‌های تأمین‌اجتماعی موجب توزیع مجددکار از سالمندان به جوانان می‌شود. این دیدگاه چند نسخه دارد. یکی از آنها این است که چون جوان‌ها بهره‌وری بیشتری دارند بهتر است که جوان‌ها دارای شغل باشند. نسخه دیگر این است که دولت می‌خواهد از چنین سیاستی پیروی‌کند، زیرا بیکاری بالاتر به لحاظ سیاسی کمتر مورد قبول است تا تعداد بالاتر بازنشستگان زودتر از موعد (در واقع آمار اقتصادی بازنشستگان را در آمار بیکاران نمی‌آورد).

تأمین‌اجتماعی به‌عنوان راه‌حلی جهت حل مسئله ولخرجی پدر: زمانی‌که افراد جوان هستند رفتار اسرافی درپیش می‌گیرند و به فکر ایام پیری و بازنشستگی خود نمی‌باشند و پس‌انداز لازم را برای این ایام فراهم نمی‌کنند. این تئوری، تأمین‌اجتماعی را راه‌حلی برای جلوگیری از اسراف در ایام جوانی و جمع‌آوری پس‌انداز برای ایام پیری می‌داند. تئوری مذکور در دو نسخه بررسی می‌شود:

**• اسراف نزدیک‌بین**[1]

اولین نسخه فرض می‌کندکه سالمندان در زمان جوانی به‌قدرکافی نگاه به آینده ندارند. مطابق این نسخه افراد موقعی‌که در ایام جوانی به‌سر می‌برند ممکن است دچار اشتباه شوند و پس‌انداز کمی داشته باشند. نتیجه بحث اینکه برای دولت مطلوب است که نقش یک پدر را ایفاکند و شهروندان را به داشتن پس‌اندازی مناسب مجبور کند.

**• اسراف منطقی و عقلایی**[2]

نسخه دوم این تئوری به نظر دقیقاً مخالف نسخه قبلی است. والدین در ایام جوانی در چنین حوزه‌هایی آینده‌نگری می‌کنند و نه تنها نیازهای زمانی پیرشان را پیش‌بینی می‌کنند، بلکه رابطه فرزندان و سایر افراد جامعه به این نیازها را نیز درنظر می‌گیرند. این نسخه مانند مسئله سواری مجانی[3] است افراد انتظار دارند جامعه در موقعیت‌های بد و

1. Myopic Prodigality
2. Rational Prodigality
3. Free-Rider

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

دشوار به کمک آنها بیاید، از این رو جوانان در دوره جوانی به فکر پس‌انداز برای ایام پیری خود نیستند. راه‌حل مسئله ولخرجی پدر آن است که جوانان امروز را مجبور به پس‌انداز کرده و در ایام پیری از موجودی پس‌انداز به آنها پرداخت شود.

عملکرد اقتصادی دولت بر روی هزینه‌های اجرایی تأمین‌اجتماعی: براساس استدلال دیاموند (۱۹۹۳) و سایرین هرچند تأمین اجتماعی هدف طرح‌های مستمری بازنشستگی خصوصی است، اما تأمین‌اجتماعی توسط دولت اجرا می‌شود زیرا دولت از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس استفاده می‌کند و چون برنامه‌های تأمین‌اجتماعی در مقیاس‌های کلانی طراحی شده لذا صرفه‌های ناشی از مقیاس آن محسوس است.

اسناد زنجیروار در اقتصادهای پویا: برخی از افراد بر این باورند که تأمین‌اجتماعی شبیه یک بازی پونزی سند زنجیری است و بر این اساس نسل اول سالمندان میزان مستمری T را از جوانان دریافت می‌کنند و در قبال آن نسلی که هنوز متولد نشده‌اند با نرخ معینی از بازدهی به جوانان امروزی مستمری می‌دهند ( فریدمن، ۱۹۹۴ و رومر، ۱۹۷۲).

## ۳. تأمین اجتماعی و نوع حکومت

در سطور پیشین به تأمین اجتماعی از دو منظر سیاسی و اقتصادی اشاره شد. در این بخش به نحوه شکل‌گیری برنامه‌های تأمین اجتماعی در رژیم‌های مختلف حکومتی با درنظرگرفتن معیارهای سیاسی و اقتصادی پرداخته می‌شود. به‌عبارت دیگر، در طبقه‌بندی حکومت‌ها در شکل‌گیری تأمین اجتماعی دیدگاه سیاسی صرف، دیدگاه اقتصادی صرف و ترکیبی از این دو دیدگاه ارزیابی می‌شود:

### ۳-۱. شکل‌گیری تأمین اجتماعی صرفاً از دیدگاه سیاسی

برخی از مطالعات اقتصاد سیاسی در تشریح پیدایش و رشد تأمین‌اجتماعی نهادهای رأی‌گیری را بکار برده‌اند. در این مطالعات به این مطلب که دولت‌های غیردموکراتیک و اقتدارگرا باید انتظار داشتن تأمین‌اجتماعی را داشته باشند اشاره‌ای نمی‌شود، اما زمانی که نهادهای رأی‌گیری را در تشریح شکل‌گیری و رشد تأمین‌اجتماعی فرض می‌کنند به این نتیجه می‌رسند که تأمین‌اجتماعی بدون دموکراسی تمایل کمتری به پیدایش و رشد دارد. دلیل مهمی که چرا تأمین‌اجتماعی و سایر مکانیزم‌های توزیع مجدد می‌توانند در مدل‌های رأی‌گیری شکل گیرند این است که آراء شدت برتری یک سیاست را تشریح نمی‌کند به‌عنوان مثال، رأی کسی که با شدت ۶۰ درصد به یک برنامه رأی موافق می‌دهد با رأی کسی که با شدت ۱۰۰ درصد به یک برنامه رأی می‌دهد تفاوتی ندارد.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

### ۳-۲. شکل‌گیری تأمین اجتماعی صرفاً از دیدگاه اقتصادی

تعدادی از تئوری‌های سیاست عمومی از درنظرگرفتن تمام سیاست‌ها با هم چشم‌پوشی می‌کند و فرض می‌کند که سیاست‌های عمومی موجود موجب افزایش کارایی اقتصادی می‌شود. براساس این رویکرد متغیرهای توضیحی کلیدی اقتصادی و جمعیتی هستند، زیرا این متغیرها در تعیین کارایی نقش ویژه‌ای دارند و برعکس عوامل سیاسی (از قبیل مکانیزمی که به‌وسیله آن تصمیمات سیاسی اتخاذ می‌شود) فرض بر این است که نقش کمتری در تعیین اهمیت سیاست‌های عمومی دارند. یکی از نمونه‌های این رویکرد متعلق به بارو (۱۹۷۹) است. وی یک تئوری از بدهی‌های عمومی بنا کرده و نشان می‌دهد که این تئوری نقشی کارا در جلوگیری از تحریف‌های مالیاتی دارد. وی اشاره می‌کند که زمانبندی مخارج دولتی و وضعیت اقتصاد عواملی کلیدی تعیین‌کننده برای مقدار و رشد بدهی‌های دولت است و به این خاطر وی بر متغیرهای اقتصادی تأکید می‌کند. بارو اهمیت نهادهای رأی‌گیری را در تعیین بدهی‌های دولتی کمتر می‌داند مگر اینکه این عوامل سیاسی در تعیین متغیرهای اقتصادی نقش ویژه‌ای داشته باشند.

همانطورکه در بخش قبل نیز توضیح داده شد مارتین (۱۹۹۶) تئوری معینی را بر پایه کارایی اقتصادی بنا کرده است. وی در این تئوری ادعایش در مورد کارایی برنامه‌های تأمین‌اجتماعی را کاملاً تشریح می‌کند، به‌طوری‌که ما انتظار داریم هیچ تفاوتی مربوط به برنامه‌های تأمین‌اجتماعی درکشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک وجود نداشته باشد، ضمن اینکه به عواملی که از نظر اقتصادی تعیین‌کننده کارایی هستند پی می‌بریم.

### ۳-۳. ترکیبی از دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی

بکر (۱۹۸۳) و بکر و مولی‌گان (۱۹۹۸) و سایرین به فرایندهای سیاسی در ایجاد یک تئوری سیاست عمومی توجه داشته‌اند، اما با این حال بر نقش کارایی نیز تأکید کرده‌اند. آنها استدلال می‌کنند به‌عنوان مثال زمانی‌که توزیع مجدد از نظر اقتصادی کاراست فرایندهای سیاسی نیز منجر به توزیع بیشتر می‌شوند و متغیرهای تعیین‌کننده مقدارکارایی توزیع مجدد برای درک اینکه چرا برخی از دولت‌ها بیشتر از بقیه به توزیع مجدد می‌پردازند و یا چرا توزیع مجدد دولت‌ها در طول زمان درحال افزایش است متغیرهای مهمی هستند.

همانطورکه در بخش پیش گفته شد مولی‌گان و مارتین (۱۹۹۹) تئوری درخصوص تأمین‌اجتماعی مطرح می‌کنند و علاوه‌بر توجه به فرایندهای سیاسی عوامل تعیین‌کننده جمعیتی و اقتصادی تأثیرگذار را نیز لحاظ کرده‌اند. به‌عبارت دیگر، آنها به مکانیزمی‌که به‌وسیله آن تصمیمات عمومی اتخاذ می‌شود، همچنین متغیرهای اقتصادی و جمعیتی که بر این مکانیزم‌ها اثر متقابل می‌گذارند تأکید داشته‌اند.

در این تئوری‌ها با درنظرگرفتن عوامل تعیین‌کننده‌کارایی و عوامل تعیین‌کننده اقتصادی مؤثر بر سیاست نشان داده شده‌که برنامه‌های تأمین‌اجتماعی درکشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک مشابه هستند. اندازه

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

جمعیت سالمند تأثیر بسزایی در کارایی برنامه‌های حمایت از سالمندان و برنامه‌های تأمین‌اجتماعی دارد، لذا سهم تأمین‌اجتماعی در تولید ناخالص داخلی باید به‌واسطه کسری ازجمعیت بالای سن خاص افزایش یابد. اندازه گروه‌ها نیز بر تصمیمات سیاسی مؤثر است، به‌طوری‌که هرچه تعداد یک گروه بیشتر باشد از قدرت سیاسی بیشتری نیز برخوردارند. از دو مطلب اخیر مستفاد می‌شود‌که متغیرهای اقتصادی و جمعیتی بر مخارج تأمین‌اجتماعی تأثیر خواهندگذاشت اما تأثیر دموکراسی مبهم و نامشخص است.

جنبه دیگری که مولی‌گان و مارتین (۱۹۹۹) در ترکیب دیدگاه‌های سیاسی و اقتصادی در نظرگرفتند به مدل‌های تقلیدی[1] نامگذاری شده است. براساس این مدل‌ها، حکومت‌های غیردموکراتیک نگاهی مشابه به دموکراسی‌ها دارند زیرا رهبران کشورهای غیردموکراتیک تمایل دارند که از کشورهای دموکراتیک تقلید کنند. به‌عنوان مثال، ممکن است مردم یک کشور غیر دموکراتیک سیاست‌های عمومی‌که در یک کشور مردم سالار و دموکراتیک اجرا می‌شود را ببینند و در مقام مقایسه با سیاست‌های کشور خودشان برآیند و از این رو، دست به شورش و طغیان بزنند و انقلاب‌های بالقوه شکل‌گیرد. دیکتاتورها و حاکمان‌کشورهای غیردموکراتیک مطلب مذکور را تشخیص می‌دهند و بنابراین سیاست‌هایی را انتخاب می‌کنند که مشابه سیاست‌های اتخاذ شده در کشورهای دموکراتیک است.

به‌عنوان مثال، اگر رشد نابرابری درکشورهای دموکراتیک منجربه‌گسترش تأمین‌اجتماعی گردد، براساس پیش‌بینی مدل‌های تقلیدی‌کشورهای غیردموکراتیک نیز با نگاه به‌کشورهای دموکراتیک برنامه‌های تأمین‌اجتماعی را گسترش خواهند داد. بر طبق این دیدگاه شکاف سیاسی موجود بین کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک کوچکتر از تأثیر حاصل از دموکراسی می‌باشد. این مطلب در مورد حکمرانان کشورهای دموکراتیک نیز مصداق دارد، چراکه در کشورهای دموکراتیک نیز شهروندان به‌منظور تشخیص سیاست‌های عمومی نامناسب و بد اینگونه سیاست‌ها را با سیاست‌های کشورهای همسایه مقایسه می‌کنند. حکمرانان دموکراتیک نیز این مطلب را می‌دانند و سعی می‌کنند از برنامه‌های همسایگانشان منحرف نشوند (اثر تقلیدی). در نظرگرفتن ملاحظات سیاسی و اقتصادی در برنامه‌های تأمین اجتماعی و تمرکز بر اقتصاد سیاسی این برنامه‌ها در مطالعات مختلفی مورد بررسی قرار گرفته که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

## ٤. پیشینه تحقیق

کات رایت (۱۹۶۵)، جک من (۱۹۷۵) و پامپل و ویلیامسن (۱۹۸۵) نشان می‌دهند که همبستگی ضعیفی بین دموکراسی و برنامه‌های مستمری بازنشستگی و رفاهی وجود دارد، اما خاطرنشان می‌کنند که توسعه اقتصادی

1. Copycat or Imitation Model

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

احتمالاً ناشی از چنین برنامه‌هایی است و لذا توسعه اقتصادی و دموکراسی با یکدیگر همبستگی دارند. آنها با ثابت نگهداشتن متغیرهایی از قبیل سن و درآمد دریافتند که کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک براساس معرفی برنامه‌های اجتماعی شبیه به هم هستند. استرلی و روبلو (۱۹۹۳) با ثابت نگهداشتن GDP سرانه هیچ رابطه‌ای بین دموکراسی و تعداد اقلام هزینه‌ها و مالیات‌های دولت پیدا نکردند. سن (۱۹۹۹) نشان داده است که دولت‌های مردم سالار طی دوران کمبود مواد غذایی از قحطی بهتر جلوگیری کرده‌اند.

دوگان و سیندر (۱۹۹۳) دریافتند که رژیم‌های مردم‌سالار و غیرمردم‌سالار تمایل به محدودکردن تجارتشان دارند با این تفاوت که رژیم‌های استبدادی خواهان کاربرد تعرفه هستند درحالی‌که رژیم‌های دموکراتیک تمایل به استفاده از سهمیه‌بندی دارند.

لیندرت (۱۹۹۴) در مطالعات مربوط به کشورهای اروپایی و کشورهای پیشرفته آمریکای جنوبی در یک قرن اخیر (زمانی که هنوز نیمی از این کشورها دموکراتیک نبودند) دریافت با ثابت نگهداشتن درآمد و سن کشورهای دموکراتیک برحسب مخارج مستمری بازنشستگی، رفاه، بیکاری و بهداشت شبیه کشورهای غیر دموکراتیک بوده‌اند. وی همچنین خاطرنشان می‌کندکه بیشترکشورهای توسعه‌یافته امروزی در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ دموکراتیک شده‌اند، درحالی‌که عمده رشد تأمین‌اجتماعی در چنین کشورهایی حداقل در ۵۰ سال اخیر اتفاق افتاده است. البته باید در نظر داشت که این مطالعات صرفاً به بررسی رابطه بین مخارج عمومی و معیارهای خاصی از نهادهای دموکراتیک در کشورها پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال، لیندرت دریافت‌که هر چه تعداد شرکت‌کنندگان در رأی‌گیری[1] بیشتر باشد مخارج اجتماعی نیز بیشتر است. همچنین، پرسون و دیگران (۲۰۰۰) دریافتندکه دموکراسی‌های وابسته به ریاست جمهوری مخارج کمتری نسبت به دموکراسی‌های وابسته به پارلمان دارند. مولی‌گان، ژیل و مارتین (۲۰۰۲) در مطالعه‌ای که براساس داده‌های مقطعی برای ۹۰ کشور دنیا و برخی کشورهای خاص به صورت موردی انجام دادند نتایجی را به دست آوردند که به صورت خلاصه عبارتند از:

- با ثبات سهم جمعیت بالای ۶۵ سال و ثبات تولید ناخالص داخلی سرانه شواهدی وجود ندارد که دولت‌های مردم‌سالار در مقایسه با دولت‌های غیرمردم‌سالار سهم بزرگتری از تولید ناخالص داخلی را در تأمین‌اجتماعی هزینه کنند.

- درکشورهای مردم‌سالار و غیرمردم‌سالار رابطه بین هزینه‌های بازنشستگی با متغیرهای جمعیتی و اقتصادی یکسان است.

- هم رگرسیون مطالعات موردی و هم رگرسیون مقطعی کشورها نشان می‌دهد که دموکراسی هیچ‌گونه تأثیری بر طرح برنامه تأمین‌اجتماعی ندارد. آنها ۹ مطالعه موردی نیز در مورد یونان، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا، آرژانتین،

1. Turnout

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

برزیل، شیلی، پرو و اروگوئه طی دوره (۱۹۹۰-۱۹۶۰) داشته‌اند. مبنای انتخاب تغییرات سیاسی بسیار زیاد و تشابه‌های اقتصادی و جمعیتی این کشورها است. به استثنای یونان و شیلی ایشان نشان داده‌اند که کشورهای غیردموکراتیک پس از تجربه‌کردن دموکراسی برنامه‌هایشان را تغییر ندادند. مشابه همین مطلب برای کشورهایی که دموکراتیک بوده‌اند و بعد غیردموکراتیک شده‌اند نیز مصداق دارد. یونان یک استثناست، زیرا مخارج طی دوره (۱۹۷۴-۱۹۶۷) که رژیم به یک رژیم نظامی تبدیل شده است رشد بسیار کمی داشته است اما قبل و بعد از این رژیم رشد مخارج مشابه رشد مخارج در کشورهای دموکراتیک بوده است. آنها همچنین یک الگوی متضاد در کشور شیلی پیدا کرده‌اند. در این کشور بیشترین رشد مخارج مربوط به دوره (۱۹۸۰-۱۹۲۵) می‌شود. طی این دوره رژیم غیردموکراتیک شیلی توسط ژنرال پینوشه اداره شده است.

کار تجربی انجام‌گرفته توسط مارتین، ژیل و مولی‌گان در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهند که کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک که ازلحاظ اقتصادی و جمعیتی مشابه هستند برحسب شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی از لحاظ خریدهای دولت، مخارج آموزشی، مستمری بازنشستگی و برنامه‌های رفاهی مشابه هستند.

تحقیقات مذکور و مطالب عنوان‌شده در ادبیات موضوع به‌دنبال پاسخی برای این سؤال که تا چه حد مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی می‌توانند بر شکل‌گیری و گسترش برنامه‌های تأمین اجتماعی اثرگذار باشند. اختلاف و تکثر آرا در این‌خصوص مورد بحث قرار گرفت و نشان داده شد که مبتنی بر تئوری‌های سیاسی غیر رأی‌گیری، مدل‌های تقلیدی و توجه صرف به مؤلفه‌های اقتصادی شکل و رشد برنامه‌های تأمین اجتماعی به‌نوع حکومت بستگی ندارد و این برنامه‌ها در کشورهای مردم سالار و اقتدارگرا یکسان است. این مطالعه این موضوع را به‌خاطر رقابت بین کشورهای مردم سالار با یکدیگر و با کشورهای دیگر، تلاش رهبران کشورهای غیردموکراتیک برای کسب مشروعیت بیشتر با اختصاص مخارج بیشتربه برنامه‌های تأمین‌اجتماعی و ارائه آمار و ارقام اغراق‌آمیز به سازمان‌های بین المللی به چالش می‌کشد و بجای تمرکز بر مخارج اختصاص یافته به برنامه‌های تأمین اجتماعی به‌کارایی برنامه‌ها می‌پردازد و با محور قراردادن کارایی برنامه‌های تأمین اجتماعی سعی در پوشش نقاط ضعف نامبرده دارد. به این منظور، از شاخص دیکسون که معرف کارایی تأمین اجتماعی استفاده می‌شود تا بتوان مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی تأثیرگذار بر تأمین اجتماعی را با دقت بیشتری ارزیابی کرد.

## ۵. معرفی متغیرها و تقسیم‌بندی کشورها

### ۵-۱. شاخص دیکسون

رتبه‌بندی سیستم‌های تأمین‌اجتماعی در دنیا براساس اهداف چندگانه و بعضاً متضاد و برنامه‌های متنوع ترتیبات مالی و اجرایی دارای پیچیدگی‌های بغرنجی است، لذا برای ارزیابی باید تعدیلاتی صورت‌گیرد. جان دیکسون در سال ۲۰۰۰ با بررسی روش‌هایی که قادر به بررسی اهداف حقوقی هرکشور است به ارزیابی

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

سیستم‌های تأمین‌اجتماعی در ۱۷۲ کشور دنیا پرداخته است. ارزیابی وی در چهار مرحله صورت‌گرفته است:

– مرحله اول: مجزا کردن مجموعه گسترده‌ای از ۸۶۰ ویژگی طرح‌های تأمین‌اجتماعی مربوط به پوشش برنامه‌های اصلی با توجه به برخورداری از مزایا، تدارک مزایا و ترتیبات اجرایی و مالی

– مرحله دوم: طبقه‌بندی اکثر ویژگی‌های سیستم تأمین‌اجتماعی باتوجه به میزان مقبولیتی که در سراسر جهان دارند.

– مرحله سوم: بازنگری ویژگی‌های طرح‌های تأمین‌اجتماعی در ۱۷۲کشور دنیا با استفاده از مجموع داده‌های سازمان تأمین‌اجتماعی آمریکا و اتحادیه بین‌المللی تأمین‌اجتماعی[1]

– مرحله چهارم: محاسبه امتیاز مربوط به رتبه هر سیستم تأمین‌اجتماعی

دیکسون امتیازبندی سیستم تأمین‌اجتماعی برای هر کشور را به‌صورت زیر محاسبه کرده است:

$$R = a(\frac{(Psum + H)}{11}) + b(F) + c(A) \qquad (۱)$$

Psum: مجموع تمام امتیازهای مربوط به ارزیابی طرح برنامه‌های تأمین‌اجتماعی

H: امتیاز ارزیابی طرح خدمات درمانی[2] تأمین‌اجتماعی

F: امتیاز ارزیابی مالی[3] سیستم های تأمین‌اجتماعی

A: امتیاز ارزیابی اجرای[4] برنامه‌های تأمین‌اجتماعی

در امتیازبندی مؤلفه‌های مذکور نواقص و مزایا مربوط به پوشش برنامه‌ها، استحقاق برنامه‌ها، مزایای برنامه‌ها و برنامه‌های تکمیلی و اضافی لحاظ شده است. براساس این شاخص، بالاترین رتبه‌کارایی نظام تأمین‌اجتماعی مربوط به استرالیا با مقدار شاخص ۱۰۳۸ است و پایین‌ترین آن (رتبه ۱۷۲) مربوط به آذربایجان با مقدار شاخص ۳۱۸ بوده است.

از آنجا که دیکسون مؤلفه‌های مختلفی را در ارزیابی سیستم‌های تأمین‌اجتماعی لحاظ کرده است، بنابراین به‌نظر می‌رسد در تجزیه و تحلیل اقتصاد سیاسی تأمین‌اجتماعی استفاده از شاخص دیکسون نتایج معتبرتری را ارائه کند تا اینکه صرفاً مخارج تأمین‌اجتماعی یا مخارج بازنشستگی را ملاک قرار دهیم.

1. International Social Security Association
2. Health Services
3. Financing
4. Administration

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

**۵-۲. سایر متغیرها**

همان‌طورکه ذکر شد، کارایی نظام تأمین‌اجتماعی از دو دیگاه سیاسی و کارایی قابل بررسی است. دیدگاه سیاسی نوع رژیم حاکم یک کشور را بر نظام تأمین‌اجتماعی مؤثر می‌دانست و از دیدگاه کارایی متغیرهای اقتصادی و جمعیتی عوامل مهمی هستند. از این رو، در انتخاب متغیرهای مستقل‌که بر کارایی نظام تأمین‌اجتماعی تأثیرگذار هستند با دو نوع متغیر سر وکار داریم:

- متغیرهای سیاسی که نوع رژیم سیاسی در یک کشور را مشخص می‌کنند:

شاخص دموکراسی: این شاخص مقادیر ۱۰-۰ را اختیار می‌کند. مقدار صفر نشان‌دهنده حداقل میزان دموکراسی در یک کشور است (مانند عراق و کره شمالی) و مقدار ۱۰ به کشورهایی اختصاص یافته که دارای بالاترین میزان دموکراسی در دنیا هستند (مانند ایالات متحده آمریکا و انگلستان). مقادیر این شاخص از مرکز مطالعات Polity IV وابسته به دانشگاه مریلند[1] است. درضمن برخی از کشورهای دنیا هستند که براساس امتیاز Polity IV جزء کشورهای غیردموکراتیک قلمداد می‌شوند، درحالی‌که این گروه از کشورها جزء کشورهای کمونیستی هستند که اقتصاد آنها مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی است. در این دسته از کشورها نهادهای سیاسی همانند کشورهای دموکراتیک شکل نگرفته است، اما قرار دادن این کشورها جزء کشورهای غیردموکراتیک نیز کار اشتباهی است زیرا در این کشورها نهادهای سیاسی بیشتر از کشورهای غیردموکراتیک است و اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی این کشورها را نمی‌توان نتیجه غیردموکراتیک بودن آنها دانست. بنابراین برای پاسخگویی به این سؤال که آیا نظام تأمین‌اجتماعی درکشورهای‌کمونیستی و اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی متفاوت است؟ از یک متغیر مجازی برای کشورهای کمونیستی استفاده می‌کنیم. این متغیر که براساس کار کورنای در سال ۱۹۹۲ محاسبه شده مقدار یک را برای کشورهای کمونیستی و مقدار صفر را برای دیگر کشورها اختیار می‌کند.

- متغیرهای اقتصادی و جمعیتی: براساس تئوری‌های‌کارایی مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی و جمعیتی تأثیرگذار عبارتند از:

- متغیرهای جمعیتی
- جمعیت کشورها: به عنوان شاخصی برای مقیاس اقتصاد
- کسر جمعیت بالای ۶۵ سال: برای مشخص شدن تعداد سالمندان

- متغیرهای اقتصادی نیز عبارتند از :

- GDP سرانه: به‌عنوان شاخصی برای استاندارد سطح زندگی
- درآمد دولت: به‌عنوان حمایت‌کننده مالی برنامه‌های تأمین‌اجتماعی

1. Maryland

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

• درصد ارزش‌افزوده بخش کشاورزی: به‌عنوان جانشینی برای تعداد افرادشاغل در بخش کشاورزی که لیست حقوقی مشخصی ندارند، بنابراین از بسیاری از برنامه‌های تأمین‌اجتماعی محروم هستند.

• مخارج نظامی: چون کشورهای غیردموکراتیک بخش عمده‌ای از بودجه خود را صرف مخارج نظامی می‌کنند انتظار می‌رود که این مخارج بر میزان اختصاص بودجه به مخارج اجتماعی از جمله تأمین‌اجتماعی تأثیرگذار باشد.

• ضریب جینی: به‌عنوان شاخصی برای تعیین نابرابری درآمد در کشورها: داده‌های مذکور از جداول (PWT)[1]، صندوق بین‌المللی پول[2]، بانک جهانی[3]، مجموعه جدید داده‌ها برای ارزیابی نابرابری درآمدی نتیجه کار دنینگر و سکوئر(۱۹۹۶) است گردآوری شده است.

### ٦. استانداردکردن داده‌ها

از آنجاکه داده‌های مورد استفاده در مطالعه حاضر در دامنه‌های متفاوتی است، لذا به منظور تجزیه و تحلیل مناسب رگرسیونی اقدام به استانداردکردن آنها در دامنه خاصی می‌کنیم:

– داده‌های سیاسی: این داده‌ها دامنه ۱۰–۰ را اختیار می‌کنند، بنابراین با تقسیم آنها به ۱۰، داده‌ها را در دامنه ۱–۰ مورد استفاده قرار می‌دهیم.

– داده‌های جمعیتی: چون داده‌های مربوط به جمعیت کشورها در یک دامنه بزرگ است، لذا این داده‌ها را به ۱۰ تقسیم کرده و از لگاریتم آن در تحلیل‌ها استفاده می‌کنیم. درمورد GDP نیز اعداد را به‌صورت لگاریتمی استفاده می‌کنیم.

– سایر داده‌ها نیز مانند کسر جمعیت بالای ۶۵ سال، مخارج نظامی، ارزش‌افزوده بخش کشاورزی، ضریب جینی و درآمدهای دولت به‌صورت درصد است.

### ۷. تقسیم‌بندی کشورها

مطالعه حاضر یک مطالعه بین کشوری است. جامعه آماری که شامل ۹۵ کشور دنیا است را در یک تقسیم‌بندی کلی بر اساس GDP سرانه به‌عنوان شاخص رفاه نسبی کشورها، امتیاز دموکراسی به‌عنوان شاخص تعیین‌کننده نوع رژیم سیاسی و امتیاز دیکسون به عنوان شاخص کارایی تأمین‌اجتماعی با توجه به جدول زیر تفکیک می‌کنیم:

1. Penn World Table
2. International Monetary Fund
3. World Bank

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

| GDP سرانه بالا | | | GDP سرانه پایین | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| نام کشور | رتبه‌تأمین اجتماعی | نام کشور | رتبه تأمین اجتماعی | نام کشور | رتبه تأمین اجتماعی | نام کشور | رتبه تأمین اجتماعی |
| | | | | اتیوپی | ۱۳۷ | کامرون | ۹۱ |
| | | | | میانمار | ۱۵۳ | اندونزی | ۱۵۱ |
| سوریه | ۱۳۵ | | | تانزانیا | ۱۳۹ | سودان | ۱۰۱ |
| تایوان | ۹۳ | | | بورکینافاسو | ۱۱ | سنگال | ۱۲۷ |
| گابن | ۷۹ | | | مالی | ۸۴ | بنین | ۸۵ |
| رومانی | ۵۳ | | | چاد | ۸۷ | هندوراس | ۸۷ |
| لهستان | ۲۲ | | | توگو | ۷۶ | چین | ۸۰ |
| مکزیک | ۴۸ | | | رواندا | ۷۴ | مصر | ۷۱ |
| بلغارستان | ۳۹ | | | نیجر | ۸۲ | مراکش | ۸۲ |
| عراق | ۱۰۳ | | | اوگاندا | ۱۲۱ | بولیوی | ۲۷ |
| مجارستان | ۴۱ | | | کنیا | ۱۱۴ | تونس | ۳۰ |
| سنگاپور | ۱۱۷ | | | هائیتی | ۱۴۹ | نیکاراگوئه | ۴۲ |
| عربستان | ۱۲۰ | | | غنا | ۱۴۵ | اردن | ۱۱۹ |
| بحرین | ۱۲۳ | | | موریتانی | ۴۷ | گواتمالا | ۱۰۲ |
| کویت | ۲۶۳ | | | زامبیا | ۹۴ | الجزایر | ۵۱ |
| | | | | ماداگاسکار | ۱۰۴ | پاناما | ۶۹ |
| | | | | بنگلادش | ۱۵۲ | | |

دموکراسی پایین

| متوسط امتیاز دیکسون $N_{12}$ ۷۵۶ | | متوسط امتیاز دیکسون $N_{11}$ ۷۲۰، ۷۳۵ | |
|---|---|---|---|

| | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|
| فیجی | ۱۳۶ | | | | | | |
| کاستاریکا | ۵۹ | ایسلند | ۲۱ | | | | |
| آفریقای‌جنوبی | ۶۴ | فنلاند | ۷ | هند | ۱۰۸ | | |
| برزیل | ۳۷ | بلژیک | ۱۲ | نیجریه | ۱۱۸ | | |
| شیلی | ۴۹ | هلند | ۳۳ | پاکستان | ۹۰ | | |
| اروگوئه | ۳۳ | نیوزلند | ۵ | زیمباوه | ۱۲۵ | | |
| آرژانتین | ۴۴ | نروژ | ۱۷ | فیلیپین | ۸۹ | | |
| پرتغال | ۱۵ | فرانسه | ۳ | سری لانکا | ۱۰۹ | | |
| قبرس | ۴۰ | آلمان | ۱۰ | السالوادر | ۹۶ | | |
| یونان | ۳۳ | دانمار | ۴ | دومنیکن | ۱۱۱ | | |
| ایرلند | ۲۳ | ک | ۱۴ | اکوادر | ۶۲ | | |
| اسرائیل | ۱۶ | لوگزام | ۲ | جامائکا | ۱۱۰ | | |
| اسپانیا | ۹ | بورگ | ۱ | کلمبیا | ۶۶ | | |
| ونزوئلا | ۷۶ | سوئد | ۴۶ | ترکیه | ۵۹ | | |
| ترینیداد | ۵۹ | استرالیا | ۱۸ | پرو | ۱۱۶ | | |
| ژاپن | ۲۰ | کانادا | ۶۲ | مالزی | ۱۲۴ | | |
| ایتالیا | ۲۳ | سوئیس | | | | | |
| اتریش | ۸ | آمریکا | | | | | |
| انگلستان | ۳۷ | | | | | | |

دموکراسی بالا

| متوسط امتیاز دیکسون $N_{22}$ ۹۱۱ | | متوسط امتیاز دیکسون $N_{21}$ ۷۲۴ | |
|---|---|---|---|

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

براساس جدول مشاهده می‌شود که تقسیم بندی‌کشورها به‌صورت‌کلی عبارت است از:$N_{11}$ : شامل کشورهای نسبتاً فقیر و غیر دموکراتیک که ۳۳ کشور در این قسمت قرار می‌گیرند. این کشورها اغلب‌کشورهای آفریقایی هستند. متوسط امتیاز دیکسون برای این دسته از کشورها به استثنای سه کشور بولیوی، تونس و نیکاراگوئه برابر ۷۲۰ است.

$N_{12}$: شامل کشورهای نسبتاً ثروتمند و غیردموکراتیک: تعداد کشورهای قرارگرفته در این دسته ۱۴ کشور است. این کشورها اغلب از کشورهای نفتی هستند که از لحاظ GDP سرانه به سبب فروش ثروت ملی در سطح بالایی قرار دارند، اما نهادهای اجتماعی و ساز وکارهای دموکراسی در این کشورها تحقق نیافته است. متوسط امتیاز دیکسون برای این کشورها ۷۵۸ است.

$N_{21}$: شامل کشورهای نسبتاً فقر و دموکراتیک: تعداد کشورهای قرار گرفته در این دسته نیز شامل ۱۴ کشور است. این کشورها برعکس کشورهای دسته قبلی کشورهای فقیری هستند که تعامل میان مردم و حکومت در سطح بالایی قرار دارد. این کشورها اغلب کشورهای آمریکای‌لاتین وکشورهای جنوب شرق آسیا هستند. متوسط امتیاز دیکسون برای این کشورها ۷۳۴ است.

$N_{22}$: شامل کشورهای نسبتاً ثروتمند و دموکراتیک: در این دسته ۳۴ کشور دنیا قرار می‌گیرند که علاوه بر کشورهای OECD چندکشور دیگر از جمله برزیل، آرژانتین و ... قرارگرفته‌اند. متوسط امتیاز دیکسون برای این کشورها ۹۱۱ است.

نتایج نشان می‌دهدکه استفاده از امتیاز دیکسون قطعاً نتایج قابل‌قبول‌تری را ارائه می‌کند، زیرا کشورهای فقیر با درجه دموکراتیک پایین‌کمترین امتیاز دیکسون و برعکس‌کشورهای غنی با درجه دموکراتیک زیاد بالاترین امتیاز دیکسون را به‌خود اختصاص داده‌اند.

## ۸. تصریح مدل

مدل مورد استفاده به شکل تصریح شده عبارت است از:

$$SSEi=C+Demoi+Ducom+Lagdpi+Lpop/10i+Pop65i+Gori+Vagri+Mili+Gini \qquad (۲)$$

SSEi: امتیاز دیکسون

Demo: شاخص دموکراسی به‌صورت استاندارد شده مقادیر ۱-۰ را اختیار می‌کند.

Ducom: متغیر مجازی‌کشورهای‌کمونیستی مقدار یک را برای‌کشورهای‌کمونیستی و مقدار صفر را برای دیگر کشورها اختیار می‌کند.

Lagdp: متوسط GDP سرانه به‌صورت لگاریتمی

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

Lpop/10: لگاریتم کل جمعیت تقسیم بر ۱۰

Pop65: کسر جمعیت بالای ۶۵ سال به‌صورت درصد

Gor: میزان درآمد دولت به‌عنوان درصدی از GDP

Vagr: درصد ارزش‌افزوده بخش کشاورزی

Mil: مخارج نظامی به‌عنوان درصدی از GDP

Gin: ضریب جینی

i: ۹۵، ...،۲،۱=i تعداد کشورها

با درنظرگرفتن این مدل و معرفی متغیرهای مجازی به تجزیه وتحلیل عوامل مؤثر بر کارایی نظام تأمین اجتماعی می‌پردازیم.

## ۹. برآورد الگو

داده‌های متغیرهای معرفی شده در بخش قبل را از منابع مختلف برای دوره زمانی (۱۹۹۰-۱۹۶۰) استخراج کرده و میانگین داده‌ها را درنظر می‌گیریم. انتخاب دوره زمانی (۱۹۹۰-۱۹۶۰) به دو دلیل بوده است. نخست، از آنجایی‌که این مطالعه به بررسی رابطه تأمین‌اجتماعی و دموکراسی می‌پردازد، لذا انتخاب دوره زمانی که بیشترین تغییرات سیاسی در کشورهای مختلف صورت‌گرفته مطمئناً نتایج ارزنده‌تری را نشان می‌دهد. در این دوره نوع حکومت در بسیاری از کشورهای آمریکای‌جنوبی، اروپای شرقی، خاورمیانه، جنوب شرق آسیا و شوروی تغییرات چشمگیری داشته است. ثانیاً از آنجا که حجم جامعه آماری شامل ۹۵ کشور دنیاست، لذا برای دسترسی به مجموعه داده[1] برای این تعداد کشور باید از داده‌های سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی استفاده کرد یا از داده‌های مربوط به مطالعات قبلی کمک گرفت، اما باید درنظر داشت بسیاری از این منابع داده‌های مذکور را در دهه اخیر یا به‌صورت پراکنده گزارش کرده‌اند یا اصلاً گزارش نکرده‌اند. به‌عنوان مثال، آمار ارائه شده برای ضریب جینی که به صورت یک مجموعه داده توسط بانک جهانی ارائه شده حداکثر تا سال ۱۹۹۳ برای برخی از کشورها موجود است. بر این اساس، الگوی معرفی شده را با درنظرگرفتن متغیرهای مجازی مناسب برای ۹۵ کشور دنیا و با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی[2] برآورد می‌کنیم.

1. Data Set
2. Ordinary Least Square (OLS)

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

**۹-۱. نتایج برآورد الگو با اضافه‌کردن متغیرها**

پس از بیان دلیل استفاده از امتیاز دیکسون و تایید آن اینک به تخمین الگوی مربوطه می‌پردازیم. به‌منظور آگاهی از میزان اهمیت هریک از متغیرها تمام آنها را به مدل اضافه می‌کنیم. خلاصه نتایج در جدول (۳) آورده شده است.

روابط (۱) و (۲) به بررسی تأثیر دو عوامل سیاسی شاخص دموکراسی و متغیر مجازی کشورهای کمونیستی برکارایی تأمین‌اجتماعی می‌پردازد. ضریب دموکراسی در این روابط از لحاظ آماری معنادار است و به نظر می‌رسد ۲۵ درصد تغییرات مربوط به کارایی نظام تأمین‌اجتماعی به آزادی‌های سیاسی مرتبط است.

در روابط بعدی به‌صورت مجزا متغیرهای اقتصادی و جمعیتی اضافه شده است. با اضافه‌کردن این متغیرها نقش متغیرهای سیاسی کمرنگ‌تر می‌شود، به‌طوری‌که نتایج بدست آمده در رابطه آخر نشان می‌دهد که شاخص دموکراسی از لحاظ آماری معنادار نیست و متغیر مجازی برای‌کشورهای کمونیستی منفی است و به این معناست که درکشورهای کمونیستی عملکرد اقتصاد مبتنی بر برنامه‌ریزی مرکزی تأثیر منفی برکارایی تأمین‌اجتماعی دارد.

در رابطه (۳) متوسط GDP سرانه اضافه شده است. هر چند ضریب این متغیر منفی است، اما به‌لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. در برازش رابطه (۴) دو متغیر جمعیت کل کشور و کسر جمعیت بالای ۶۵ سال اضافه شده است. هرچند متغیر کل جمعیت در تمام روابط از لحاظ آماری معنادار نیست، اما جمعیت بالای ۶۵ سال یک متغیر بسیار تأثیرگذار برکارایی برنامه‌های تأمین‌اجتماعی است. بر اساس روابط (۵) و (۶) درآمد دولت‌ها و ارزش‌افزوده بخش‌کشاورزی برکارایی تأمین‌اجتماعی بی‌تأثیر هستند. در رابطه (۷) متغیر مخارج نظامی از لحاظ آماری معنادار است و نتایج نشان می‌دهد با افزایش مخارج نظامی کارایی تأمین‌اجتماعی کاهش می‌یابد. در رابطه آخر متغیر ضریب جینی برای روشن‌شدن اثر نابرابری بر کارایی تأمین‌اجتماعی اضافه شده است. ضریب این متغیر مثبت و از لحاظ آماری معنادار است بنابراین، افزایش در نابرابری درآمدی اثر مثبتی بر کارایی دارد.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

| متغیرهای مستقل | (۱) | (۲) | (۳) | (۴) | (۵) | (۶) | (۷) | (۸) |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| شاخص دموکراسی | ۱۲۰/۰۱<br>(۵/۶۵) | ۱۱۴/۰۷<br>(۵/۱۶) | ۱۳۳/۱۴<br>(۴/۴۷) | ۵۶/۶۱<br>(۱/۹۶) | ۲۶/۶۳<br>(۰/۸۲) | ۶/۳۴<br>(۰/۱۸) | -۴۳/۸۴<br>(-۱/۳۴) | -۳۵/۹۲<br>(-۰/۸۹) |
| متغیرمجازی کشورهای کمونیستی | | -۳۲/۴۰<br>(-۰/۹۹) | -۳۲/۰۳<br>(-۰/۹۸) | -۸۷/۱۱<br>(۲/۹۶) | -۹۱/۹۰<br>(-۲/۸۱) | -۸۸/۳۱<br>(-۲/۶۶) | -۷۹/۶۹<br>(-۲/۶۷) | -۷۵/۰۳<br>(-۲/۰۵) |
| متوسط GDP سرانه به‌صورت لگاریتمی | | | -۱۱/۸۱<br>(-۰/۹۸) | -۵۴/۵۸<br>(۴/۴۱) | -۳۱/۴۶<br>(-۱/۹۰) | -۱۶/۰۶<br>(-۰/۶۲) | -۶/۸۸<br>(-۰/۲۹) | -۱۹/۲۴<br>(-۰/۶۸) |
| لگاریتم کل جمعیت تقسیم بر ۱۰ | | | | -۴۷/۰۷<br>(۰/۹۰) | -۸۳/۵۵<br>(-۱/۴۴) | -۶۴/۱۷<br>(-۱/۰۳) | ۴۵/۴۵<br>(۰/۷۵) | ۱۱۳/۵۷<br>(۱/۴۵) |
| کسر جمعیت بالای ۶۵ سال | | | | ۲۰/۹۶<br>(۶/۰۵) | ۲۲/۱۸<br>(۵/۶۲) | ۲۲/۶۴<br>(۵/۴۲) | ۲۴/۱۱<br>(۶/۵۱) | ۳۲/۰۴<br>(۵/۶۵) |
| میزان درآمد دولت به عنوان درصدی از GDP | | | | | -۱/۵۴<br>(۰/۱۲۸) | -۲/۱۹<br>(-۲/۰۳) | -۱/۷۸<br>(-۱/۸۲) | -۲/۰۴<br>(-۱/۵) |
| درصدارزش افزوده بخش کشاورزی | | | | | | ۲۹/۳۸<br>(۰/۲۳) | -۱۲/۶۷<br>(-۰/۱) | ۱۳/۸۹<br>(۰/۱) |
| مخارج نظامی به‌عنوان درصدی از GDP | | | | | | | -۳۱/۸۷<br>(-۴/۳۷) | -۳۷/۴۱<br>(-۴/۵۱) |
| ضریب جینی | | | | | | | | ۲/۷<br>(۲/۰۲) |
| $\overline{R}^2$ | ۰/۲۵ | ۰/۲۵ | ۰/۲۵ | ۰/۴۶ | ۰/۴۶ | ۰/۴۵ | ۰/۴۰ | ۰/۵۵ |

برآورد با استفاده از متغیرهای مجازی مناسب:

$$SSE_i = 827 - 139Demo_i + 8.2Lagdp_i + 11.48Pop65_i - 0.29Mil_i - 2.3Gin_i + 122Dum4*Demo_i - 83.5Dum5*Mil_i + 4.7*Dum5Gin_i$$

t-sta (-2.99) (0.51) (3.34) (-0.12) (-2.27) (3.28) (-7.71) (6.29)

$\overline{R}^2$ =۰/۷۴ D-W= ۲/۰۳

- تخمین‌های رگرسیونی به‌روش OLS صورت گرفته و همگی شامل مقدار ثابت است.
- متغیر وابسته: امتیاز دیکسون برای تأمین اجتماعی.
- اعداد داخل پرانتز مقدار آماره t-student را نشان می‌دهد.
- فرض عدم وجود خودهمبستگی، تصریح صحیح مدل و عدم وجود واریانس ناهمسانی در این مدل تأیید شد.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

### ۹-۲. نتایج الگو با اضافه‌کردن متغیرها به‌صورت مجزا

#### ۹-۲-۱. تخمین الگو و تفسیرآن

برآورد الگو با استفاده از متغیرهای مجازی برای کشورهای ثروتمند و دموکراتیک (Dum1) و کشورهای کمتر دموکراتیک (کشورهای نیمه بالای جدول (۲) Dum) در سطر آخر برآوردها در جدول ذکر شده است. این برآورد نشان می‌دهدکه ضریب دموکراسی درکشورهای دموکراتیک و ثروتمند ۱۲۲ است و این بدان معناست‌که دموکراسی تأثیر مثبت قابل‌توجهی برکارایی تأمین‌اجتماعی می‌گذارد درحالی‌که برای سایر کشورها این تأثیر منفی است. در تحلیل این نتایج می‌توان گفت در کشورهای مردم‌سالار سازوکارهای دموکراسی به درستی شکل گرفته و قوام یافته است و تعامل دوجانبه بین مردم و حکومت سبب می‌شود مردم در ازای پرداخت مالیات از دولت خود متوقع باشند و بنابراین در انتخاب برنامه‌های تأمین‌اجتماعی حساس و دقیق هستند و دولتمردان نیز در مقابل مردم پاسخگو می‌باشند و از این رو در تحقق برنامه‌های انتخاباتی‌شان حداکثر تلاششان را انجام می‌دهند. اما در کشورهای غیردموکراتیک از یک سو مردم به دلیل عدم اعتماد لازم به حکومت دقت لازم را در انتخاب برنامه‌ها ندارند و از سوی دیگر، رهبران و برنامه‌ریزان کشورهای غیردموکراتیک در تحقق برنامه‌های تأمین‌اجتماعی بیشتر رفتارهای عوام فریبانه را درپیش می‌گیرند و بدلیل ساختار نامناسب مدیریتی در این کشورها مزایای برنامه‌ها دراختیار ذینفعان قرار نمی‌گیرد و به کارائی برنامه‌ها توجهی نمی‌شود. با توجه به تقسیم‌بندی‌کشورها در جدول (۲) کشورهای غیردموکراتیک به‌کشورهای غیردموکراتیک فقیر و غیردموکراتیک ثروتمند تفکیک شدند که در کشورهای غیردموکراتیک فقیر به دلایل مختلف از جمله سطح پایین استاندارد زندگی و درآمد سرانه، سطح پایین تحصیلات، کمبود نهادهای سیاسی و اجتماعی اثر دموکراسی بر سیاست‌های عمومی ناچیز است. دسته دوم کشورها، کشورهای غیردموکراتیک ثروتمند هستند. این دسته از کشورها عمدتاً کشورهای صادرکننده منابع طبیعی‌اند و دولت در این کشورها به یک دولت رانتی تبدیل شده است که منبع درآمدی آن به‌جای مالیات فروش منابع طبیعی است. در این کشورها نیز دموکراسی با توجه به مکانیزم‌های زیرکارایی خود را از دست داده است:

- اثر مالیات: زمانی که دولت درآمد کافی از صادرات منابع طبیعی دراختیار دارد، مالیات کمتری وضع می‌کند و درمقابل مردم نیز تقاضای کمتری برای پاسخگویی دولت دارند.

- اثر مخارج: دولت از طریق مخارج خود برای کسب مشروعیت بیشتر استفاده می‌کند که مانع ایجاد فشار ازسوی مردم برای ایجاد دموکراسی می‌شود.

- اثر عدم شکل‌گیری گروه‌ها: دولت از رانت حاصله از منابع طبیعی برای جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی مستقل که ممکن است خواهان حقوق سیاسی بیشتر باشند، استفاده می‌کند.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

متغیر متوسط GDP سرانه که به‌عنوان شاخصی برای سطح زندگی استفاده شده از لحاظ آماری بی‌معنا است، اما این متغیر تأثیر بسزایی در کشورهای فقیر بر تأمین‌اجتماعی می‌گذارد. متغیر تعداد افراد بالای ۶۵ سال از لحاظ آماری معنادار است و همانطورکه در قالب تئوری‌های سیاسی بیان شد تعداد افراد سالمند یک مؤلفه اساسی در انتخاب برنامه‌های تأمین‌اجتماعی به‌عنوان یک سیاست عمومی است، ضمن اینکه با توجه به تئوری‌های کارایی، تعداد سالمندان، نقش غیر قابل انکاری در بهره‌وری نیروی کار، بازار کار و کارایی برنامه‌های تأمین‌اجتماعی دارد.

با استفاده از یک متغیر مجازی برای کشورهای کمتر دموکراتیک به تأثیر مخارج نظامی بر کارایی تأمین‌اجتماعی می‌پردازیم. نتایج نشان می‌دهد افزایش مخارج نظامی تأثیر منفی برکارایی تأمین‌اجتماعی دارد و این تأثیر برای کشورهای کمتر دموکراتیک محسوستر و از لحاظ آماری معنادار است، زیرا این کشورها بودجه قابل‌ملاحظه‌ای را به مخارج نظامی اختصاص می‌دهند، اما این ضریب برای سایرکشورها معنادار نیست و علت آن این است که در کشورهای مردم سالار اختصاص بودجه نظامی مناسب با سایر بخش‌ها است.

برای بررسی نابرابری درآمدی بر کارایی تأمین‌اجتماعی نیز یک متغیر مجازی برای ضریب جینی کشورهای کمتر دموکراتیک در نظر می‌گیریم. نتایج نشان که افزایش نابرابری درآمدی در کشورهای کمتر دموکراتیک منجربه افزایش کارایی تأمین‌اجتماعی می‌شود در این کشورها شکاف درآمدی زیاد است و استفاده از مکانیزم‌های توزیع مجدد مطمئناً برای کارایی تأمین‌اجتماعی اثر دارد. این متغیر از لحاظ آماری معنادار است. در مورد سایر کشورها این ضریب منفی است. به‌نظر می‌رسد افزایش نابرابری درکشورهای دموکراتیک از کارایی تأمین‌اجتماعی می‌کاهد. در برازش اخیر قدرت توضیح‌دهندگی مدل ۷۵ درصد است.

## ۱۰. نتیجه‌گیری

در ادبیات اقتصاد سیاسی تأمین اجتماعی و مطالعات بین کشوری که در این خصوص صورت‌گرفته و بنا بر برخی دلایل و تئوری‌هاکه در سطور پیشین به آنها اشاره شد و با مبنا قرار دادن مخارج تأمین اجتماعی در تحلیل‌ها بین‌کشورهای مردم‌سالار و اقتدارگرا تفاوتی در برنامه‌های تأمین اجتماعی وجود ندارد. این مطالعه با درنظرگرفتن کارایی تأمین اجتماعی بجای مخارج آن نشان داد بین‌کارایی و اقتصاد سیاسی رابطه محسوسی و معناداری وجود دارد و شرط وجود ساز وکار مناسب و کارا در سیستم تأمین اجتماعی مستلزم توجه به فاکتورهای دخیل در امتیاز متعلق به دموکراسی است. بنابراین تقویت نهادهای سیاسی، برگزاری انتخابات عادلانه و آزاد، تفکیک اختیارات قوا، مطبوعات آزاد و پرسشگر، و احترام به حقوق بشر از الزامات دسترسی به یک تأمین اجتماعی کاراست. ازسوی دیگر، باید به مؤلفه‌های مؤثر بر شاخص‌کارایی تأمین اجتماعی نیز تمرکز نمود و بر این اساس سیاست‌های توصیه‌ای در این خصوص را می‌توان توجه به بازماندگان و برآورده‌کردن نیازهای ایشان، درنظرگرفتن مزایای تأمین اجتماعی برای کودکان و برنامه‌ریزی درخصوص جبران خسارت ناشی از صدمات دائمی دانست.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

## منابع

**رئیس‌دانا، فریبرز** (۱۳۸۱)، *دموکراسی در برابر بی‌عدالتی*، تهران: نشر علم.

**رنانی، محسن** (۱۳۸۲)، "رابطه متقابل دموکراسی،آزادی اقتصادی وتأمین‌اجتماعی"، *فصلنامه تأمین‌اجتماعی*، سال پنجم، شماره۱۵.

**رنانی، محسن** (۱۳۸۲)، "تأمین‌اجتماعی و دموکراسی"، *فصلنامه تأمین‌اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۳.

**طالب، مهدی** (۱۳۸۱)، *تأمین‌اجتماعی*، مشهد: انتشارات دانشگاه امام رضا.

**میرفلاح نصیری، سید نعمت‌ا...** (۱۳۸۶)، *گزیده مطالب آماری*، سال۱۸، شماره ۲، پاییز و زمستان.

**Aaron, H.** (1966), "The Social Insurance Paradox", *Canadian Journal of Economics and Political Science,* Vol. 32, PP. 371–374.

**Alesina, Alberto, Gerald D. Cohen & Nouriel Roubini** (1992), "Macroeconomic Policy and Electionsin OECD Democracies", *Economics and Politics,* March, PP. 1-30

**Barro, Robert J.** (1994), "Democracy and Growth", NBER Working Paper, No. 4909, October.

**Browning, Edgar K.** (1975), "Why the Social Insurance Budget Is Too Large in a Democracy", *Economic Inquiry*, Vol. 13, No. 3, Sept, PP. 373-88.

**Casamatta, G., Cremer, H. & P. Pastieu** (1999), "The Political Economy of Social Security", CORE Discussion Paper #9955.

**Cooley, T. F. & J. Soares** (1996), "Will Social Security Survive the Baby Boom?", *Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy,* Vol. 45, PP. 89– 121.

**Cutright, Phillips** (1965), "Political Structure, Economic Development and National Social Security Programs", *American Journal of Sociology*, Vol. 70, No. 5, March, PP. 539-55.

**Deininger, Klaus & Lyn Squire** (1996), "A New Data Set Measuring Income Inequality", *World Bank Economic Review,* Vol. 10, No. 3, September, PP. 565-91.

**Dixon, J.** (2000), "A Global Ranking of National Social Security System", *International Social Security Review,* Vol. 10, No. 2, PP. 53-1,

**Hansson, I. & C. Stuart** (1989), "Social Security as Trade Among Living Generations", *American Economic Review,* Vol. 79, PP. 549–559.

**Kornai, János** (1992), *The Socialist System: The Political Economy of Communism*, Princeton, NJ: Princeton University Press.

**Mulligan, C. B. & X. Sala-i-Martin** (1999a), "Gerontocracy, Retirement and Social Security", NBER Working Paper #7117, Cambridge, Mass.

**Mulligan, Casey B., Ricard Gil & Xavier Sala-i-Martin** (2004), "Do Democracies have Different Public Policies than Nondemocracies?", *Journal of Economic Perspectives*, Vol. 18, No. 1, Winter, PP. 51-74.

**Mulligan, Casey B., Ricard Gil & Xavier Sala-i-Martin** (2004), "Social Security and Democracy", NBER Working Paper, No. 8958, May.

**Mulligan, Casey B., Ricard Gil** (2004), "Internationally Common Features of Public Old-Age Pensions, and Their Implications for Models of the Public Sector", *Advances in Economic Analysis & Policy*, Vol. 4, No. 1, Article 4.

**Mulligan, Casey B., Ricard Gil** (2004), "Political and Economic Forces Sustaining Social Security", *Advances in Economic Analysis & Policy*, Vol. 4, PP. 1, Article 5.

**Polity IV Project** (2000), *Political Regime Characteristics and Transition, 1800-2000*. Electronic Data File (Version p4v2000), College Park, MD: CIDCM, University of Maryland.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]

**Samuelson, P. A.** (1958), "An Exact Consumption-Loan Model of Interest with or Without the Social Contrivance of Money", *Journal of Political Economy,* Vol. 66, PP. 467– 482.
**Tabellini, G. A.** (1992*), Positive Theory of Social Security mimeo IGIER*, Milano, Italy, February.
**Verhoeven, M. J. M. & H. A. A. Verbon** (1991), "Expectations on Pension Schemes under Non-Stationary Conditions", *Economic Letters,* Vol. 36, PP. 99– 103.

[ Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-20 ]